

پرسی جکسون و ایزدان المپ

کتاب چهارم

نبرد هزارتو

۵۳۷

ریک ریوردان

مترجم:

عباس زارعی



کتاب‌های
توت‌فرنگی

واحد کودک و نوجوان

انتشارات سایه گستر

www.sayegostar.com

با گروه تشویق کننده‌ها

مبارزه می‌کنم

آخرین کاری که می‌خواستم در تعطیلات تابستانی انجام دهم، ویران کردن یک مدرسه‌ی دیگر بود. صبح دوشنبه، هفته‌ی اول ماه ژوئن، جلوی دبیرستان گود^۱ در خیابان هشتاد و یکم شرقی، توی ماشین مادرم نشسته بودم.

گود ساختمانی سنگی به رنگ قهوه‌ای بود که کنار رودخانه‌ی ایست^۲ قرار داشت. چند تا ماشین بی‌ام‌دابلیو^۳ و لینکلن تاون^۴ جلوی مدرسه پارک شده بودند. به ورودی طاق‌دار سنگی مدرسه نگاه کردم، با خودم فکر می‌کردم چقدر طول خواهد کشید که این طاق را بیاورم پایین.

مادرم که خودش هم مضطرب به نظر می‌رسید، گفت: «آروم باش، فقط یه گشت برای آشنایی با مدرسه‌ست و یادت باشه عزیزم، این مدرسه‌ی پله^۵. بنابراین سعی کن ... می‌دونی که.»

- «داغونش نکنم؟»

1. Goode
3. BMW
5. Paul

2. East
4. Lincoln Town